



1 در ماه هشتم از سال دَوم داریوش، کلام خداوند بر زَکَرِیا ابن بَرکیا ابن عِدّوی نبی نازل شده، گفت:

2 « خداوند بر پدران شما بسیار غضبناک بود.

3 پس به ایشان بگو: یهوه صبايوت چنین می‌گوید بسوی من بازگشت کنید. قول یهوه صبايوت این است. و یهوه صبايوت می‌گوید: من به سوی شما رجوع خواهم نمود.

4 شما مثل پدران خود مباشید که انبیا سَلَف ایشان را ندا کرده، گفتند یهوه صبايوت چنین می‌گوید از راههای زشت خود و از اعمال بد خویش بازگشت نمایید، اَمّا خداوند می‌گوید که ایشان نشنیدند و به من گوش ندادند.

5 پدران شما کجا هستند و آیا انبیا همیشه زنده می‌مانند؟

6 لیکن کلام و فرایض من که به بندگان خود انبیا ام‌فرموده بودم، آیا پدران شما را در نگرفت؟ و چون ایشان بازگشت نمودند، گفتند چنانکه یهوه صبايوت قصد نمود که موافق راهها و اعمال ما به ما عمل نماید همچنان به ما عمل نموده است.»

7 در روز بیست و چهارم ماه یازدهم که ماه شَباط باشد، از سال دَوم داریوش، کلام خداوند بر زَکَرِیا ابن بَرکیا ابن عِدّوی نبی نازل شده، گفت:

8 در وقت شب دیدم که اینک مردی بر اسب سرخ سوار بود و در میان درختان آس که در وادی بودایستاده و در عقب او اسبان سرخ و زرد و سفید بود.

9 و گفتم: «ای آقایم اینها چیستند؟» و فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود، مرا گفت: «من تو را نشان می‌دهم که اینها چیستند.»

10 پس آن مرد که در میان درختان آس ایستاده بود، جواب داد و گفت: «اینها کسانی می‌باشند که خداوند ایشان را برای تردّد نمودن در جهان فرستاده است.»

11 و ایشان به فرشته خداوند که در میان درختان آس ایستاده بود جواب داده، گفتند: «ما در جهان تردّد نموده‌ایم و اینک تمامی جهان مستترج و آرام است.»

12 و فرشته خداوند جواب داده، گفت: «ای یهوه صبايوت تا به کی بر اورشلیم و شهرهای یهودا که در این هفتاد سال غضبناک می‌بودی رحمت نخواهی نمود؟»

13 و خداوند با سخنان نیکو و کلام تسلی‌آمیز آن فرشته‌ای را که با من تکلم می‌نمود جواب داد.

14 پس فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود مرا گفت: «ندا کرده بگو یهوه صبايوت چنین می‌گوید: در باره اورشلیم و صَهیون غیرت عظیمی داشتم.

15 و برامّت‌های مطمئن سخت غضبناک شدم زیرا که اندک غضبناک می‌بودم لیکن ایشان بلا را زیاده کردند.

16 بنابراین خداوند چنین می‌گوید: به اورشلیم با رحمت‌ها رجوع خواهم نمود و خانه من در آن بنا خواهد شد. قول یهوه صبايوت این است و ریسمانکاری براورشلیم کشیده خواهد شد.

17 بار دیگر ندا کرده، بگو که یهوه صبايوت چنین می‌گوید: شهرهای من بار دیگر به سعادت‌مندی لبریز خواهد شد و خداوند صهیون را باز تسلی خواهد داد و اورشلیم را بار دیگر خواهد برگزید.»

18 پس چشمان خود را برافراشته، نگرستم و اینک چهار شاخ بود.

19 و به فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود گفتم: «اینها چیستند؟» او مرا گفت: «اینها شاخها می‌باشند که یهودا و اسرائیل و اورشلیم را پراکنده ساخته‌اند.»

20 و خداوند چهار آهنگر به من نشان داد.

21 و گفتم: «اینان برای چه کار می‌آیند؟» او در جواب گفت: «آنها شاخها می‌باشند که یهودا را چنان پراکنده نموده‌اند که احدی سر خود را بلند نمی‌تواند کرد. و اینها می‌آیند تا آنها را بترسانند و شاخهای امّت‌هایی را که شاخ خود را بر زمین یهودا برافراشته، آن را پراکنده ساخته‌اند بیرون افکنند.»